

دکتر فرنگیس اردلان

دکتر منوچهر محسنی

طرز تفکر دانشجویان در مورد معیارهای خانواده و ازدواج

پیشگفتار

خانواده ایرانی تا حدود پنجاه سال پیش خانواده‌ای بود با اصطلاح جامعه‌شناسان گسترده با تمام ویژگیهایش (۱) ، که زیر نظر و تسلط پدر خانواده اداره میشد ، واحد تولید و مصرف بود ، تبار از جانب پدر میرسید ، لااقل سه نسل در آن سکونت داشتند ، روابط مبتنی بر سلسله مراتب سنتی بود (پائین بودن منزلت اجتماعی زن و شرایط خاص قوانین ازدواج و طلاق) . با نفوذ تمدن غرب ، بروز افکار نو ، دخالت دولت با اعلام تساوی حقوق زن و مرد ، تصویب قانون حمایت خانواده و نیز فراهم آوردن امکان تحرک اجتماعی بیشتر ، بتدریج دگرگونی‌هایی در درون خانواده بوجود آمده است (۲)

اما برخی از شکلهای قدیمی خانواده هنوز هم در برابر این تغییرات مقاومت میکنند . بدینسان در جامعه کنونی ایران انواع خانواده‌ها و انواع رفتارهای خانوادگی در کنار هم به چشم می‌خورد" (۱) . هدف از انجام این مطالعه نیز بررسی دگرگونی‌هایی است که تحولات اجتماعی جدید توانسته است در طرز تفکر Attitude دانشجویان - که نمونه‌هایی از تحصیل کرده‌گان و روشنفکران باید باشند - بوجود بیاورد . آیا نظر پیتیریم سوروکین

(P.A. Sorokin) جامعه‌شناس امریکائی که میگوید جهان ما جهان گرایشها و جنبشهای متضاد و حتی متناقض است ، در تفاوت طرز تفکر زنان و مردان دانشجویان نیز مشاهده میشود؟ نهایت اینکه فرضیه اصلی ما در این مطالعه وجود تفاوت‌هایی در طرز تفکر دانشجویان دختر و پسر در زمینه معیارهای زناشویی و ازدواج بوده است که با انجام این تحقیق و به کمک آزمونهای آماری لازم مورد بررسی قرار گرفته است .

این مطالعه با همکاری مستقیم کلیه دانشجویان دوره شبانه رشته جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملی ایران در سال تحصیلی ۵۴ - ۱۳۵۳ و در چارچوب درس روشهای عملی تحقیق در علوم اجتماعی انجام گرفته است .
اگر علاقمندی، صمیمیت و جدیت دانشجویان این کلاس نبود ، نویسندگان این گزارش هرگز فرصت کاربرد این اطلاعات را نداشتند . علیهذا از کلیه دان دانشجویان صمیمانه متشکریم .۱

جامعه آماری و روش تحقیق

این مطالعه در جامعه دانشجویی شهر تهران و در میان دانشجویان دوره روزانه دانشگاه ملی ایران انجام گرفت. در زمان مطالعه ، یعنی اردیبهشت ۱۳۵۴ برابر آمار رسمی دانشگاه تعداد دانشجویان این دانشگاه (غیر از دانشجویان دوره‌های شبانه و نیز فوق لیسانس از نظر شرایط سنی و نیز اجتماعی تاقتصادی بادیگران یک سری تفاوت‌های اساسی داشتند از جامعه آماری حذف گردیدند . با توجه به وسعت جامعه و شرایط خاص آن از نظر توزیع دانشجویان در دانشکده‌های مختلف روش نمونه‌گیری تصادفی مبتنی بر طبقه‌بندی^۲ برای آماری‌گیری مورد استفاده قرار گرفت . با در دست داشتن آمار تعداد دانشجویان در هر دانشکده و روش انتساب متناسب ۲۵٪ از دانشجویان به عنوان نمونه تقریبی مشخص

۱ - در این میان نیمی چند از دانشجویان همکاریهای موثری در استخراج و جدول‌بندی اطلاعات داشتند که عبارتند از :

علیرضا صادقی ، علی اکبر مهدی ، محمد شریف‌تهرانی ، محمد باقر امامی ، محمد اسحق افکاری ، حمید فراهانی‌راد ، محمدجواد اقبالیان ، و آقایان بام و قاجار .

2- Stratified Random Sampling

3- Proportional

شدند و در کلاسهای مربوطه مورد مراجعه قرار گرفتند. سرانجام ۹۷۴ نفر یعنی ۱۹/۸٪ از کل دانشجویان پرسشنامه را مسترد داشتند، از ۹۷۴ نفر دانشجویان مزبور ۵۷۹ نفر، یعنی ۵۹/۵٪ مرد و تعداد زنان ۳۹۵ نفر است که با درصد توزیع جنسی کل دانشجویان دانشگاه هماهنگی دارد. تکمیل پرسشنامه از طریق حضور مستقیم دانشجویان محقق این مطالعه (رشته جامعه‌شناسی) در کلاسهای مربوطه بوده است. شرکت مستقیم دانشجویان در انجام این مطالعه سبب گردید که ابتدا هدف مطالعه برای دانشجویان روشن گردد و همکاری آنان در این مورد جلب شود.

بگونه‌ای که اشاره شد اطلاعات این بررسی اساساً "متکی به تحقیق از طریق پرسشنامه است که حاوی ۳۶ سؤال شامل متغیرهای مستقل و وابسته مورد نظر بوده است. در تدوین این پرسشنامه نیز خود دانشجویان مشارکت مستقیم داشته‌اند.

مشخصات عمومی جامعه مورد مطالعه

گروه ۹۷۴ نفری مورد مطالعه ما گروهی است جوان و اگر دوره جوانی را چنانکه متداول است از ۱۸ تا ۲۴ سالگی بدانیم (۳) حدود ۹۱٪ از دانشجویان در این گروه سنی قرار گرفته‌اند. میانگین سنی زنان ۲۰/۹ سال و میانگین سنی مردان ۲۲/۳ سال بوده است. بیش از نیمی از زنان در گروه سنی ۲۰ - ۱۸ سال قرار دارند و حال آنکه نسبت مردان در این گروه سنی حدود ۳۰٪ است.

از نظر محل تولد نسبت دانشجویانی که در تهران متولد شده‌اند (۴۹/۳٪) تفاوت چندانی با نسبت دانشجویانی که در سایر نقاط ایران متولد شده‌اند ندارد، اما نسبت دانشجویان شهرستانی در میان مردان خیلی بیشتر است، چرا که تحرک جغرافیائی مردان بیشتر از زنان میباشد. شرایطی مثل محل تولد، ازدواج و شرایط خانوادگی بر محل زیست اثر میگذارد. غالب دانشجویان با پدر و مادر خود زندگی میکنند (۶۳٪) و در این گروه نسبت زنان بیشتر است. اما باید اشاره کنیم که زندگی بصورت تنها (۱۵/۲٪) و یا با سایر اعضاء خانواده همچنان اهمیت دارد (۱۲/۲٪).

اکثریت قابل توجهی از دانشجویان (۹۱/۷٪) در زمان بررسی ما مجرد بوده‌اند و در عین حال نسبت متاهلین در میان زنان بیشتر است. در همین گروه ۱/۵٪ به علت فوت همسر و یا طلاق بدون همسر بوده‌اند و حال آنکه این حالت در میان مردان مشاهده

آگاهی ما در مورد وضع تحصیلی والدین دانشجویان نشان میدهد که سطح تحصیلی پدر در میان اکثریت دانشجویان (یعنی ۴۲/۸ %) ، برابر با متوسطه است و نسبت بی - سوادان در حدود ۴% است ، اما در ارتباط با جنس دانشجویان ، سطح تحصیلی پدر دانشجویان دختر به میزان قابل ملاحظه‌ای از دانشجویان پسر بیشتر است . مادران دانشجویان از نظر تحصیلی در مراتب پایین‌تری هستند و به اظهار خود دانشجویان ۱۰% از آنان بی‌سواد میباشند . تفاوتی را که شاره کردیم در مورد تحصیلات پدر دانشجویان دختر و پسر وجود دارد در این مورد نیز مطرح است . این ویژگی بطور کلی مؤید قشر اجتماعی و اقتصادی دانشجویان دانشگاه ملی ایران است و شاید بتوان از آن نتیجه گرفت که امکان تحصیل در این دانشگاه برای پسران خانواده‌های کم درآمدتر از دختران خانواده‌های کم درآمد بیشتر است (البته در دوره قبل از اجرای فرمان آموزش رایگان) .

در مورد وضع اشتغال به فعالیتهای اقتصادی نیست کسانی که تاغل هستند حدود ۱۹% است که اکثریت این گروه را مردان تشکیل میدهند . متوسط درآمد ماهانه مردان و زنان بترتیب ۱۵۷۶۹ و ۹۶۳۴ ریال است . درآمد ماهانه دانشجویان غیر تاغل در ۵۱% از موارد کمتر از ۵۰۰۰ ریال کمتر است و ۵% از دانشجویان ماهانه بیش از ۱۵۰۰۰ ریال در آمد داشته‌اند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شیوه همسرگزینی

تحولات کنونی جهان سوم از جمله توسعه صنعت ، رشد شهرنشینی و جمعیت و در نتیجه تحرک مکانی و تضعیف معیارهای سنتی و دگرگونی در هدهای ازدواج ، تغییرات عمیقی را در شیوه همسرگزینی بوجود آورده است . برای بررسی طرز تفکر دانشجویان نسبت به رفتار مذکور چند موضوع را مطرح کردیم که عبارتند از : هم طبقه بودن زن و شوهر ، اعتقادات مشترک مذهبی ، شرایط تحصیلی زن و شوهر ، و بالاخره متناسب بودن محیط دانشکده برای این گزینش :

الف - هم طبقه بودن زن و شوهر :

در مقایسه با رقم جدول شماره ۱ به چند نکته بر میخوریم . اولاً " حدود کمتر از نیمی (۴۱/۵۱%) از دختران معتقدند زن و شوهر باید از یک طبقه اجتماعی باشند ،

جدول شماره ۱

نسبت درصد دانشجویان بر حسب نظر آنها در مورد هم طبقه بودن زن و شوهر

(تعداد = ۹۷۴)

کاملاً موافق	تا حدودی موافق	مخالف	بدون پاسخ	
۴۱/۵	۴۵/۵	۱۳	۰	زن
۲۷/۸	۴۴/۶	۱۹/۷	۷/۹	مرد
۳۳/۴	۴۴/۹	۱۶/۹	۴/۸	کل

اما در مقابل ۲۷/۸٪ مردان چنین عقیده‌ای دارند. ثانیاً اگر ارقام مربوطه تا حدودی موافق را جواب مثبت محافظه کارانه بحساب آوریم می بینیم ۸۷٪ زن‌ها مخالف برون همسری در ازدواج هستند، در صورتیکه ۷۲/۴٪ مردان چنین نظری دارند. ثالثاً ۳٪ آزمون χ^2 نیز تفاوت نظریات زن و مرد را در این مورد تأیید میکند. بالاخره بطور کلی مقاومت در مقابل عامل طبقه اجتماعی را در طرز تفکر دانشجویان میتوان بوضوح مشاهده کرد و البته در این میان زنان مقاوم ترند تا مردان.

ب - مشترک بودن عقاید مذهبی زن و شوهر :

در جواب این سؤال که آیا داشتن عقاید مذهبی مشترک برای زندگی زناشویی ضروری است یا نه؟ کمتر از ۱/۳ مردان و ۱/۳ زنان تعصب نشان داده‌اند ولی در مجموع زنان روی ضرورت این مساله بیشتر تأکید میکنند تا مردان (۳۶/۷٪ زنان و ۲۶/۶٪ مردان). در حقیقت مردان نسبت به آن بی‌اعتنا ترند، و ۱۴/۲٪ مردان آنرا اصولاً "ضروری نمیدانند"، در مقابل ۱۰/۶٪ زنان. آزمون آماری رابطه میان نظر در این مورد و جنس پاسخگو را تأیید میکند ۲.

ج - شرایط تحصیلی زن و شوهر :

نظریات دانشجویان در این مورد قاطع است و حدود ۵۰٪ از آنان معتقدند که باید تحصیلات

$$1 - \chi^2 = 17/850 > 0/001 \text{ (d.f. = 2)}$$

$$2 - \chi^2 = 10/330 > 0/02 \text{ (d.f. = 3)}$$

مرد بیشتر از زن باشد و نشانهای از قبول تابعیت زن و وابستگی وی بشوهر از نظر مردان و زنان بشمار میآید ، ولی با تحصیلات مساوی زن و مرد درصد بیشتری از زنان موافقند (۳۴/۹ درصد زنان در مقابل ۲۷/۹ درصد مردان) . مردان تقریباً "دو برابر زنان نسبت بتفاوت سطح تحصیلات زن و شوهر بی تفاوتند (۱۸/۶ درصد مردان در مقابل ۹/۸ درصد زنان) . آزمون آماری χ^2 رابطه میان دو متغییر مورد نظر ما را (جنس و نظر در مورد شرایط تحصیلی) تأیید میکند .

د - انتخاب همسر در دانشکده :

نظر دانشجویان درباره اینکه آیا دانشکده محل مناسبی برای انتخاب همسر است یا نه سئوال شد . درصد قابل توجهی از دانشجویان دختر و پسر دانشکده را برای انتخاب همسر محل مناسبی میدانند ، همچنانکه بسیاری از آنان نیز مخالف همسرگزینی در دانشکده هستند . ولی ارقام جدول شماره ۲ این فکر را القا میکند که بطور کلی پسران دانشجویگرایش بیشتری به ازدواج با دختران دانشجو دارند تا دختران .

جدول شماره ۲

نسبت درصد دانشجویان بر حسب نظر آنها در مورد مناسب بودن دانشکده بعنوان محلی مناسب برای همسرگزینی

خیلی مناسب	نسبتاً مناسب	کمتر مناسب	مناسب نیست	اظهار نشده است
۸/۲	۳۳/۲	۲۸/۶	۲۱/۲	۸/۸
۱۴/۶	۲۴/۴	۲۸	۱۸/۹	۴/۱
۱۲/۰	۳۳/۹	۲۸/۲	۱۹/۹	۶/۰
زن				
مرد				
کل				

۲ با توجه به دادههای مذکور میتوان اینطور نتیجه گرفت که اکثریت دانشجویان درون همسری را ترجیح میدهند ، آلن ژیرار (A. Girard) در کتابی بنام " همسرگزینی " (۴) اشاره میکند که تعداد افرادی که همسر خود را از گروهی مشابه بر میگزینند در مقابل آنان

$$1 - \chi^2 = 16/206 > 0/01 \text{ (d.f. = 3)}$$

کهاز دیگر طبقات اجتماعی همسر اختیار میکنند بسیار قابل توجه است . وی تاثیر وابستگی فرهنگی را که جانشین وابستگی های قومی در جوامع ماقبل صنعت میشود بخوبی نشان داده است . بنظر وی تعلق به محیط اجتماعی واحد داشتن تجانس فکری و تحصیلی و بالاخره سنخیت عقاید مذهبی از عوامل مهم در ایجاد این وابستگی فرهنگی است که موجب تشکیل خانواده ها میشود .

در ایران نیز بررسی روی نظریات مربیان مدارس گیلان و مازندران نشان میدهد که نسبت قابل ملاحظه ای از مربیان مدارس همسر فرهنگی داشتند (۵) و اما در گروه مورد مطالعه ما از نظر طرز تفکر بین دختران و پسران دانشجو تفاوت هایی بوضوح دیده میشود . بررسی ما نشان میدهد که زنان در مقابل تحرک اجتماعی مقاومتر و به اشتراک عقاید مذهبی زن و شوهر پای بندتر از مردانند و ضمناً " در همسرگزینی محافظه کاری بیشتری نشان میدهند و کمتر از مردان حاضر به ازدواج با دانشجو هستند . ولی در مورد شرایط تحصیلی زن و شوهر این مردان هستند که بیش از زنان طرز فکری سنتی دارند و تسلط مردانه خویش را با رقابت تحصیلی زنان در خطر میبینند . در اینجا بحث همسرگزینی را با سؤال آلن ژرار خاتمه میدهم که میگوید : " آیا حتی در جامعه های صنعتی که آزادی رکن اصلی زندگی انسانهاست آنان با آزادی ، فردی را بعنوان همسر بر میگزینند یا آنکه همسری را که حائز شرایط مقبول فرهنگ برای ازدواج با آنان است انتخاب میکنند ؟ (۶) . در آمریکا رسماً و قانوناً " هر زن و مردی در همسرگزینی آزاد است ولی بررسی در شیوه گزینش نشان میدهد که شرایط انتخاب محدود است و میتوان گفت که همه نظام های همسرگزینی به ازدواج همسان تمایل دارند (۷) .

دخالت خانواده در امر انتخاب همسر

مطالعات نشان میدهد که خانواده زن و شوهری معاصر در ایران روابط خویش را با شبکه خانوادگی همچنان حفظ کرده و دخالت خانواده نیز در امر انتخاب همسر بسیار است و تنها قشر کوچکی از اجتماع این گزینش را آزادانه انجام میدهد (۲) . دگرگونی های اجتماعی اخیر و آزادی های فردی و بخصوص آزادی زنان نتوانست است دخالت های خانواده را در امر

ازدواج و انتخاب همسر جوانان از میان ببرد ۱ و ما می بینیم که بررسی نظریات دانشجویان درباره دخالت خانواده در مورد انتخاب همسر فرضیه فوق را تأیید میکند. اولاً "بیشترین افراد میگویند که دخالت خانواده تا حدودی لازم است (۶۴/۴٪ زن‌ها و ۴۸/۷٪ مردان) و ثانیاً "مردان بیش از زنان به فقدان دخالت خانواده در امر انتخاب همسر معتقدند (۱۵/۸٪ مردان و ۷/۹٪ زنان) و بالاخره رتبه جدول شماره ۳ نشان میدهد که بطور کلی زن‌ها بیش از مردان دخالت خانواده را در همسرایی ضروری می‌شمارند^۲.

جدول شماره ۳

نسبت درصد نظر دانشجویان در مورد میزان لزوم دخالت خانواده در انتخاب همسر

	زیاد	تاحدودی	خیلی کم	هیچ	اظهار نشده
زن	۶	۶۴/۴	۲۲	۷/۹	-
مرد	۲/۷	۴۸/۷	۲۸/۹	۱۵/۸	۲/۹
کل	۴/۱	۵۵	۲۶/۱	۱۲/۵	۲/۳

ضرورت معاشرت قبل از ازدواج

آشنائی و معاشرت قبل از ازدواج، بدنبال رشد فکری و معنوی افراد که روابط اجتماعی آزادتر و گسترده‌تری را نصیب نسل جوان کرده است در جامعه‌های شهری و بخصوص در جامعه‌های شهری و بخصوص در طبقات تحصیلکرده، سخت رایج شده است. با درگرون شدن هدف ازدواج (که در گذشته فرد با رعایت مصالح خانوادگی و اقتصادی و اجتماعی تن به ازدواج میداد) امروزه در قشرهای متوسط و بالای شهری، هماهنگی فکری و روحی جانشین ملاحظات قدیم شده است، فرد اکنون در جستجوی همسری است که شخصیتی مطلوب دارد و بتواند با او همفکر باشد. همچنانکه حدود ۷۰٪ دانشجویان پسر و دختر آشنائی‌های قبل از ازدواج را ضروری میدانند (۵۸٪ دختران و ۶۹٪ پسران) تعداد قابل توجهی از آنان نیز این گونه معاشرتها را با قید احتیاط می‌پذیرند (۲۳/۵٪). مقایسه رتبه مربوط بنظرات

۱ - مادری به پسرش توصیه می‌کند که مبادا با دختری که در بیست رتبه با او آشنا میشود ازدواج کند (۴)

$$2 - x^2 = 33/4 > 0/001 (d.f. = 3)$$

زنان و مردان نشان میدهد که مردان علاقه بیشتری به این نوع معاشرت دارند (۲۵/۵٪ از زنان در مقابل ۴۰/۲٪ از مردان) و زنان تا حدودی جانب احتیاط نگه میدارند. آزمون نیز این تفاوت طرز تفکر را تأیید میکند^۱.

ضرورت جهیزیه و مهریه

لوی اشتروس (L. Straus) میگوید که ازدواج یکی از انواع روابط بین زن و مرد بر اساس مبادله پایاپای است و از منع زناها محارم و قواعد بیرون همسری و اتحاد دو گروه تا ازدواج جدید همه بر اساس این کنش متقابل نهاده شده که مبادله پایاپای و تفاهم شرط هستی آن بشمار میرود (۸). ویلیام گود (W.G. Good) نیز شیوه همسرگزینی در ازدواج را به نظام بازار تشبیه میکند که در آن کیفیتها ارزیابی و مبادله میشوند، زیبایی زن، ثروت مرد، اصالت خانوادگی و... (۷)، مهریه و جهیزیه نیز یکی از انواع چانه زدن در این نظام بازار است. لکن نباید فراموش کرد که چون عامل عشق و علاقه در شیوه همسرگزینی بیش از پیش مطرح شده است، از دخالت والدین کاسته شده و جهیزیه و مهریه هم آن اهمیت سابق را از دست داده است.

جدول شماره ۲

نسبت درصد دانشجویان بر حسب نظر در مورد ضرورت جهیزیه و مهریه

جهیزیه ————— زن ————— جامع علوم انسانی ————— مهریه

کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
%	%	%	%	%	%
۴/۸	۳/۷	۶/۴	۴	۴/۷	۲/۸
خیلی لازم					
۱۵	۱۲/۷	۱۸/۸	۱۹/۵	۱۶/۶	۲۳/۸
لازم					
۳۲/۷	۳۴/۵	۲۹/۹	۴۱/۳	۳۹/۸	۴۳/۵
تا حدودی لازم					
۴۲	۴۲/۴	۴۱/۲	۳۰/۲	۳۱/۴	۲۸/۶
لازم نیست					
۵/۵	۶/۷	۳/۷	۵	۷/۵	۱/۳
اظهار نشده					

$$1 - x^2 = 12/461 > 0/02 \text{ (d.f. = 4)}$$

اندکی کمتر از نیمی از دانشجویان مهریه را لازم نمی‌دانند (۴۲٪) ولی درصد کمتری از آنان جهیز را ضروری می‌شمارند (۳۰/۲٪). شاید از نظر دانشجویان چانه‌زدن برای مهریه مانعی در راه ازدواج مطلوب آنان باشد و یا لاقبل آنرا بتعویق اندازد. زیرا معمولاً قبل از مراسم ازدواج راجع به مقدار مهر باصطلاح چانه‌زدن رایج است، در حالیکه از جهیز صحبتی بمیان نمی‌آید. بهمین جهت درصد دانشجویانی که مهریه را لازم نمی‌دانند بیش از درصد افرادی است که نسبت به ضرورت جهیز بی تفاوتند (جدول شماره ۴) معهذاکسانی که مهریه و جهیز را لازم می‌شمارند در اکثریت هستند چنانکه در مجموع ۵۸ درصد آنان به لزوم مهریه رای می‌دهند و ۷۰ درصدشان به ضرورت جهیز. تفاوت طرز تفکر پسر و دختر (جدول ۴) در این مورد جالب است و نظر مبادله در ازدواج را بوضوح نشان می‌دهد چنانکه مردان روی جهیز بیشتر تاکید دارند^۱ و زنان بیشتر روی مهریه^۲ به علت بالا بودن میزان طلاق و تزلزل و ناایمنی نسبی ازدواج است که بخصوص مهریه‌های سنگین وسیله تا مینی است در مقابل این تزلزل و عدم ثبات زندگی زناشویی. فاصله سنی زیاد بین زن و شوهر هم نرخ مهریه را بالا می‌برد و هر چه سن مرد در ازدواج بالاتر و فاصله سنی وی با همسرش بیشتر باشد مبلغ مهر کزاف‌تر است (۴).

سن مناسب ازدواج برای پسر و دختر

در ژاپن و هندوستان آمارها نشان می‌دهد که در اوایل دوره صنعتی شدن سن متوسط ازدواج‌ها بالا رفت است (همان‌طور که مابین پدیده عینا^۳ در دیگر کشورهای اروپائی نیز مشاهده شده است). از آنجا که در مواردی طرز تفکر میتواند معرف رفتارها باشد در دهه ۱۹۵۰ در فرانسه سن ازدواج مردان ۲۶ سال بوده است و زمانی هم که از آنها سؤال شده است چه سنی را برای ازدواج مناسب میدانند همان حدود ۲۶ سال را ذکر کرده‌اند (۸) و در حقیقت میانگین سن ایده‌آل ازدواج همان میانگین سن حقیقی ازدواج بوده است. در ایران بررسی نظریات مربیان مدارس استانیهای گیلان و مازندران هم نشان می‌دهد

1 - $x^2 > 8/742$ (d.f. = 3)

2 - $x^2 = 10/841 > 0/02$ (d.f. 3)

که در مورد زنان اختلاف چندانی میان میانگین سن واقعی ازدواج آنان و نظرهای ارائه شده مشاهده نمیشود ، ولی سن ازدواج مردان از سن ایده آل ارائه شده از طرف هردو جنس کمتر است و بعبارت دیگر مردان اعتقاد دارند که زود ازدواج کرده اند (۵) .
شاید بتوان این عدم انطباق طرز فکر و رفتار را با بکارت زن در ازدواج که در جوامع غربی چندان مطرح نیست توجیه کرد . جدول شماره ۵ نشان میدهد که طرز فکر زن و مرد در باره سن مناسب اولین ازدواج زن و مرد تفاوت چندانی ندارد ، ولی جالب اینجاست که ۴۷/۵٪ مردان و ۴۴/۵٪ زنان سن مناسب ازدواج را برای مرد از ۲۷ سال به بالا ذکر کرده اند و اما در مورد سن مناسب ازدواج زن اختلاف نظر بین زن و مرد بسیار است .

جدول شماره ۵

میانگین سن مناسب ازدواج برای زن و مرد
سن مناسب ازدواج

مرد	زن	
۲۵/۲	۲۳/۳	نظر زنان
۲۶/۳	۲۲/۸	نظر مردان

بنظر ۳۹/۲٪ مردان (در مقابل ۱۹/۵٪ زنان) بهتر است زن بین ۱۸ تا ۲۰ سال ازدواج کند (۲) در حالیکه بیشترین تعداد (۴۰/۰٪) زنان (در مقابل ۲۲/۶٪ مردان) سن مناسب اولین ازدواج زن را ۲۱ الی ۲۳ سال میدانند . میبینیم که خصوصیات فیزیولوژیک زن و زودرسی ازدواجی برای مردان جالب است ، که زنان با آن چندان موافق نیستند .

فاصله سنی زن و مرد در ازدواج

توجه به فاصله سنی زن و شوهر نیز با پیشرفت مظاهر زندگی صنعتی رو بکاهش است (۸)

۱ - دکتر باقر ساروخانی در رساله دکترایش تحت عنوان همسرایی در ایران و مغرب زمین (ص ۱۷۰) مینویسد ، که متوسط سن مناسب ازدواج زنان بنظر جمعیت مورد مطالعه اش در ایران ۱۸/۲ سال و سن حقیقی ازدواج زن ۲۰/۳ و برای مرد سن مناسب ۲۵/۷ و سن حقیقی ازدواج ۲۷/۸ سال بوده است (۴) .

در ایران نیز چنین وضعی مشاهده میشود و اختلاف سن زوجین کاهش یافته است. در تهران تفاوت سنی در ازدواج طبق آمارهای سرشماری ۱۳۳۵ برابر با ۸/۵ سال است. بررسی دیگری در استانهای گیلان و مازندران در سال ۱۳۵۲ این فاصله را ۶/۵ سال نشان میدهد (۵). "آندره میشل در کتاب "جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج" مینویسد: آمارهای کشورهای غربی این کاهش را بوضوح نشان میدهد بخصوص در آلمان قبل از جنگ جهانی اول عقیده عمومی بر این بود که مرد بایستی حدود ۵الی ۱۰ سال از همسرش بزرگتر باشد بخصوص در طبقات متوسط که خلاف آن نوعی انحراف بشمار میرفت و در هندوستان که سنتها فاصله زیاد سنی بین زن و شوهر را توصیه میکنند می‌بینیم این فاصله حتی در خانواده های طبقات متوسط هم بتدریج کاسته شده است و در اتحاد جماهیر شوروی، خارشف نشان میدهد که کاهش فاصله سنی بین زن و شوهر نتیجه سیستم سوسیالیستی است که جوانها میتوانند بر اساس برتری‌های شخصی و خصوصی ازدواج کنند وی حتی آمارهایی بدست میدهد که حاکی از جوانتر بودن مردان از همسران آنهاست (بین یک تا سه سال) وی معتقد است که در شوروی امروز بیشتر جنبه‌های اخلاقی و معنوی ازدواج مطرح است تا ارزشیابی فیزیولوژیک زن. برای شناخت طرز تفکر دانشجویان در مورد فاصله سنی زن و شوهر سؤال شد آیا بنظر شما مرد باید ۵ سال از همسرش بزرگتر باشد یا نه؟ ۱۸٪ از دانشجویان (۱۳/۹٪ از زنان و ۲۰/۸٪ از مردان) این فاصله سنی را اصلاً "ضروری نمیدانند و ۶۱/۹٪ آنان بلزوم فاصله سنی زن و مرد رای دادماند. نکته جالب در تفاوت نظرات زنان و مردان آنست که زنان بیش از مردان نسبت به ضرورت فاصله سنی حساسیت نشان دادماند (۳۰/۲٪ زنان در مقابل ۲۰/۸٪ مردان).

تعداد مناسب فرزند

در میان عوامل موثر در ترکیب خانواده و تعداد فرزند سطح سواد پدر و مادر اهمیت بیشتری دارد (۹). اعتلاء منزلت کودک همراه با توسعه صنعتی و ورود الگوهای فرهنگی غرب در بین طبقات متوسط و توجه به تناسب اندام و زیبایی و حرمت و اعتناء به جسم نیز مسلمانان تعداد مناسب فرزندان را از نظر دانشجویان کاهش داده است. چنانکه جدول شماره ۶ تفاوت بین طرز تفکر زنهای تحصیل کرده شهری (دانشجویان) و زنان عشایری (ایل قشقایی) را

بوضوح نشان میدهد (۱۰) برای زنان عشایری تعداد فرزند نه تنها هزینه زندگی را بالا نمیبرد بلکه فرزند یک کارگر خانوادگی است ، بخصوص فرزند پسر که پاسدارنده نام پدر و

جدول شماره ۶

مقایسه تعداد مناسب فرزند پسر و دختر بر حسب نظر دانشجویان و

زنان عشایری

متوسط فرزند دختر	متوسط فرزند پسر	
۱/۲	۱/۶	دانشجو (مرد)
۱/۲	۱/۳	دانشجو (زن)
۱/۹	۴/۲	زن عشایری

خانواده نیز بشمار میرود ، در حالیکه برای زن شهری فرزند زیاد سربار زندگی میشود .
زنان آمریکائی علاقهای بداشتن فرزند ندارند و برای این فرزند میآورند که بهدوستان و همسایهها ثابت کنند که میتوانند آنها هم بچه داشته باشند (۱۱) .

در ایران بررسی در استانهای کیلان و مازندران روی نظرات مربیان مدارس نیز، این فرضیه را که ورود الگوهای فرهنگی غرب تعداد فرزندان خانواده تحصیلکردگان را کاهش میدهد، تایید میکند ، زنان مری تعداد ۲ فرزند را مناسب میدانند و مردان مری خانوادهای با سه فرزند را مناسبتر میشمارند (۵) .

ضرورت کارزن در خارج از منزل

سن گذشته همواره مخالف کار زن در خارج از منزل بوده است و تسلط مرد و تبعیت زن از وی و وابستگی اقتصادی زن به شوهر از اندیشهها و عقاید کهن و آداب و رسوم قدیمی است . هنوز تفاوت نقش و مسئولیت مرد و زن آشکار است ، محل کار مرد در خارج از منزل و محیط فعالیت زن در داخل خانواده تعیین شده است . حتی در جوامع بسیار مرفعی که برابری زن و مرد بیشتر تحقق یافته است ، زنی که در خارج از منزل دارای شغل است وظایف خانه داری و بچه داری کماکان بعهده اوست . بر اساس مطالعه ما ، ۳۰/۲٪ مردان با کارزن در خارج از منزل مخالفند (در مقابل ۸/۶٪ دختران) و فقط ۱۶/۲٪ آنان جدا طرفدار

اشتغال زنان اند (درمقابل ۴۰/۵٪ زنان) و بقیه گرایشی در جهت موافقت دارند. آمارهای سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ در ایران نشان میدهد که تعداد زنان فعال از نظر اقتصادی در ظرف ده سال از ۵۷۶۰۰۰ نفر به ۹۹۹۰۰۰ نفر رسیده است. بررسیهای انجام شده گواه آنست که با افزایش درجه تحصیلات زنان تمایل به اشتغال زنان در خارج از منزل بیشتر شده است. و در این بررسی نیز گرایش مزبور را در طرز تفکر دانشجویان بوضوح می بینیم.

عکس العمل در مقابل خیانت همسر

دین اسلام چندزنی را پذیرفته است و با اینکه داستانها در حسادت ها و رقابتهای هووها خوانده ایم و شنیده ایم لکن تجدید فراش شرعا " و خیانت مرد نسبت به همسرش بطور ضمنی قابل اغماض بوده است. در اروپای غربی هم خیانت مرد بیشتر با گذشت همسر و اجتماع روبرو بوده تا خیانت زن (۸). با پیشرفت زندگی صنعتی و شهر نشینی و آزادی نسبی روابط جنسی ناشی از آن، این رفتار سنتی نیز به سستی گرائیده است. " سامرست موآم " میگوید در آینده حسادت افراد نسبت به همسر یا دوست را در افسانهها میخوانند. در این مطالعه میبینیم که بیش از ۲۱٪ از زنان و ۳۷/۸٪ از مردان در مقابل خیانت زن طلاق را پیشنهاد میکنند و فقط ۳/۸٪ مردان و ۸/۹٪ زنان گذشت را ترجیح میدهند. لکن در صورت خیانت مرد، هر دو جنس، هم با گذشت ترند (۷/۱٪ از زنان و ۱۴/۷٪

جدول شماره ۷

نسبت درصد دانشجویان بر حسب طرز تفکر درباره عکس العمل نسبت به خیانت همسر

گذشت		اصلاح		طلاق	
درمورد	درمورد	درمورد	درمورد	درمورد	درمورد
خیانت مرد	خیانت زن	خیانت مرد	خیانت زن	خیانت مرد	خیانت زن
۷/۱	۸/۹	۶۷/۳	۵۵/۴	۱۰/۹	۲۱/۰
۱۴/۷	۳/۸	۶۲/۴	۳۸/۷	۸/۳	۳۷/۸
۱۱/۶	۵/۸	۶۴/۴	۴۵/۵	۹/۳	۳۱/۰

مردان) و هم کمتر به طلاق می‌اندیشند (۹/۱۰٪ زنان و ۳/۸٪ مردان). نکته جالب اینکه زنان در مقابل خیانت همجنسانشان سختگیرترند تا در مقابل خیانت مردان. لکن در مجموع سیر تحولی افکار آزادی خواهی را در بیشتر درصدی که دانشجویان برای مصالحه در نظر دارند میتوان بوضوح مشاهده کرد.

نتیجه

روبن هیل (R.Hill) جامعه‌شناس آمریکائی از تحقیق در خانواده‌ها و مقایسه رفتارها و هنجارها در سه نسل متوالی نتیجه میگیرد که رفتارهای خانوادگی از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود و ادامه مییابد، و بزبان ساده‌تر دگرگونی در رفتارها چندان سریع نیست و آنچه که در مقایسه سه نسل بچشم میخورد و اهمیت بیشتر دارد دگرگونی در هنجارهاست (۱۲). در بررسی انجام شده میتوان نتیجه گرفت که عوامل جدیدی مثل رشد جمعیت، شهر نشینی و که موثر در دگرگونی‌های خانواده و مسائل مربوط به آن است فقط توانسته تا حدودی مؤثر افتد. خانواده در عین حال که شاخص مهمی در شناخت تحولات اجتماعی است، عامل کنترل تحولات مزبور نیز میتواند باشد. میل به تکمیل تحصیلات و اشتغال زنان در بازار کار نظر آنان را درباره سن مناسب ازدواج و تعداد فرزندان دگرگون کرده است، و با اینکه مطالعات نشان داده است تحصیل زن و اشتغال وی از عدم تجانس ذهنی بین زن و شوهر میگذرد و روابط آنان را بسوی همدلی و همکاری سوق میدهد مع هذا بررسی ما میگوید که بسیاری از مردان تحصیل کرده هنوز با زودرسی ازدواج زنان موافقند و کار زن را ضروری نمی‌شمارند. بالا رفتن میزان طلاقها و وابستگی اقتصادی زنان غیر شاغل و اینکه زنان کمتر از مردان شانس ازدواج مجدد را دارند آنها را همچنان نسبت به رسم کهن مهریه وفادار نگه داشته و از طرف دیگر دشواریهای مادی زندگی جدید جهیزیه را نیز از نظر مردان ضروری ساخته است. خانواده از نظر زنان پشتوانه محکمی برای حفظ موقعیت آنان در امر ازدواج است و بهمین جهت با دخالت خانواده در امر همسرگزینی بیش از مردان موافقند و از همین جاست که بر استمرار قدرت خانواده حکم میشود. از طرف دیگر هر قدر تحصیلات زن شاغل بیشتر باشد مشارکت وی در تصمیمات مهم مربوط به زندگی خانوادگی فزونتر و مؤثرتر و با تسلط سنتی مرد مقایر است و سرانجام برخورد نظرات زن و مرد را در این مورد در جداول مربوط به اشتغال زن مشاهده میکنیم.

فهرست مآخذ

- ۱- بهنام ، جمشید : نظری به انواع خانواده در ایران ، مجله علوم اجتماعی ، دوره اول ، شماره ۲ ، زمستان ۱۳۴۷ ، صفحه ۷۰ تا ۷۸ .
- ۲- بهنام ، جمشید : ساختمانهای خانواده و خویشاوندی در ایران ، انتشارات خوارزمی ، چاپ دوم ، تهران ، ۱۳۵۲ ، صفحه ۹ تا ۳۳ .
- 3- Fouchard d, M. Dawranche: Enquete sur la Jeunesse, Gallimard, Paris, 1963.
- 4- B. Saroukhani Le Choix du Conjoint en Iran et en Occident, Librairie Generale du droit et de Jurisprudence, Paris, 1968, PP. 190 - 191, 163.
- ۵- محسنی ، منوچهر - کیوان ، عزت‌اله - جلالی ، غلامحسین : بررسی آگاهیها ، عقاید و رفتار مریبان مدارس (گزارشهای دوم و سوم استانهای گیلان و مازندران) ، انتشارات دانشکده بهداشت دانشگاه تهران ، ۱۳۵۲ ، ۱۳۵۳ .
- ۶- ساروخانی ، باقر : ازدواج ، تحرک اجتماعی و فرهنگ ، سخنرانیهای نخستین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره خانواده و فرهنگ وزارت فرهنگ و هنر ، تهران ، ۱۳۵۳ ، صفحه ۹۶ - ۸۰ .
- ۷- گود ، ویلیام . ج . : خانواده و جامعه ، ترجمه ویدا ناصحی . بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ، ۱۳۵۲ ، صفحه ۸۹ ، ۹۹ .
- ۸- میشل ، آندره : جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج ، ترجمه فرنگیس اردلان ، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون ، تهران ، ۱۳۵۴ ، صفحه ۱۴۲ ، ۱۴۵ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ .

۹- ستوده زند ، محمود : بعد خانوار و ارتباط آن با شغل ، بخش جمعیت شناسی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران ، تهران ، مرداد ۱۳۴۹ .

۱۰- محسنی ، منوچهر : تحقیق پیرامون باروری و کنترل موالید و عشایر فارس ، دانشکده بهداشت دانشگاه تهران ، تهران ، خرداد ۱۳۵۴ (پلی کیپی) .

11- Ruth Benedict: The Family: Genus Americanum P. 63.

12- R. Hill: Families in East and West, Three Generation Research Design, Mouton, Paris, 1970, P. 544.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی